

پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
دوماه‌نامه علمی - پژوهشی، سال شانزدهم، شماره ششم، بهمن و اسفند ۱۳۹۵، ۲۰۱-۲۱۶

بررسی و نقد مطالعات برنامه‌درسی آموزش زبان عربی به غیر عرب‌زبان‌ها

مطالعه موردی کتاب

المرجع فی مناهج تعلیم اللغة العربیة للناطقین بلغات أخرى

دانش محمدی*

چکیده

مطالعات برنامه‌ریزی درسی در آموزش زبان عربی در ایران، برخلاف کشورهای عربی، بسیار اندک و انگشت‌شمار است. کتاب *المرجع فی مناهج تعلیم اللغة العربیة للناطقین بلغات أخرى* از مهم‌ترین کتاب‌های این حوزه در کشورهای عربی است؛ در این پژوهش به نقد و بررسی این کتاب پرداخته می‌شود. روش پژوهش به این صورت است که تلاش خواهد شد نقاط قوت و ضعف شکلی و محتوایی اثر تبیین شود. در بررسی محتوایی، مباحث مطرح‌شده در کتاب با کتاب‌های برنامه‌ریزی درسی به‌ویژه در زبان انگلیسی مقایسه می‌شود.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که دیدگاه نویسندگان در این کتاب دیدگاهی فرهنگی است و در واقع نویسندگان توانسته‌اند از طریق بومی‌سازی نظریات و رویکردهای غربی در برنامه‌درسی، آن‌ها را در چارچوبی اسلامی - عربی برای آموزش زبان عربی به غیر عرب‌زبان‌ها ارائه دهند. از جمله نارسایی‌های محتوایی این اثر فقدان بحث و بررسی عنصر مهم «نیازسنجی» در برنامه‌درسی و نپرداختن به مباحث مهمی مثل روش‌های تربیت معلمان و ارزیابی و ارتقای عملکرد آنان است.

کلیدواژه‌ها: آموزش، برنامه‌درسی، رویکرد فرهنگی، زبان عربی، غیر عرب‌زبان‌ها.

* استادیار بخش زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شیراز، d.mohammadi64@shiraza.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۹/۱۰

۱. مقدمه

برنامه درسی یکی از حوزه‌های بین‌رشته‌ای آموزش زبان خارجی است. طراحی برنامه درسی از دیرباز به صورت‌های گوناگون در حوزه آموزش زبان‌های خارجی وجود داشته است. امروزه، آموزش زبان دوم یا زبان خارجی یکی از بزرگ‌ترین طرح‌های آموزشی در جهان است. میلیون‌ها کودک و بزرگسال در سراسر دنیا زمان، هزینه، و تلاش زیادی را برای یادگیری زبان جدید صرف می‌کنند. مدرسان نیز بخش زیادی از نیرویشان را برای طراحی دوره‌های زبانی و آماده‌سازی مواد آموزشی برای تدریس در کلاس‌هایشان صرف می‌کنند (ریتشاردز ۲۰۰۱: ۲۳). پژوهش‌های برنامه درسی در زبان‌های خارجی حوزه‌ای است که تلاش می‌کند - با بررسی مبانی این دوره‌ها - اهداف، محتوا، روش و فعالیت‌های تدریس، و ارزش‌یابی براساس اصول علمی و نیازهای واقعی طراحی شود. این پژوهش‌ها غالباً در پی پاسخ به این پرسش‌هاست:

چه مراحل و ابزارهایی وجود دارد که می‌توان آن‌ها را برای انتخاب و تنظیم محتوای برنامه درسی زبان به کار گرفت؟ نیازهای یادگیرندگان چیست؟ چگونه می‌توان نیازهای یادگیرندگان را مشخص کرد؟ عوامل بافتی که باید در طراحی برنامه درسی زبان لحاظ کرد چیست؟ اهداف عام و اهداف خاص در تدریس چه ویژگی‌هایی دارند و چگونه می‌توان آن‌ها را گسترش و بهبود بخشید؟ طراحی محتوا در یک دوره آموزش زبان دارای چه عوامل و ویژگی‌هایی است؟ چگونه می‌توان تدریس مناسبی برای برنامه موردنظر طراحی کرد؟ انتخاب، طراحی، و سازگار کردن مواد آموزشی نیازمند در نظر گرفتن چه مواردی است؟ چگونه می‌توان کارآمدی برنامه زبانی موردنظر را سنجش کرد؟ (همان: ۲۳).

امروزه، برنامه درسی، علاوه بر این که به عنوان یک رشته مستقل در اغلب دانشگاه‌های سراسر دنیا وجود دارد، به عنوان یک حوزه بین‌رشته‌ای وارد رشته‌های آموزشی دیگر مثل آموزش زبان‌های خارجی، آموزش ریاضیات، و آموزش علوم نیز شده است. در آموزش زبان عربی سال‌هاست که در دانشگاه‌های عربی، در اغلب دانشکده‌های علوم تربیتی، در رشته برنامه درسی و روش‌های تدریس به برنامه درسی آموزش زبان عربی هم توجه می‌شود و پژوهش‌های فراوانی در این زمینه انجام گرفته است. اما، در ایران، به‌رغم گسترش آموزش زبان عربی در سی سال گذشته، توجه به پژوهش‌های حوزه برنامه درسی بسیار اندک و انگشت‌شمار بوده است. بی‌شک، معرفی و بررسی تجارب کشورهای عربی

در برنامه‌دستی آموزش زبان عربی، چه در حوزه عملی چه در حوزه پژوهش، گامی مهم برای زمینه‌سازی در راستای استفاده از این تجارب و بهبود برنامه‌های درسی آموزش عربی در ایران است.

نگارنده در این جستار می‌کوشد، با بررسی کتاب *المرجع فی مناهج تعلیم اللغة العربیة للناطقین بغيرها*، این پژوهش را به‌عنوان یکی از جدیدترین پژوهش‌های حوزه برنامه‌ریزی درسی در آموزش زبان عربی به غیرعرب‌زبان‌ها، به دانشجویان، پژوهش‌گران، برنامه‌ریزان و مدرسان زبان عربی معرفی کند. بررسی این کتاب، که نویسندگان آن از مدرسان، متخصصان، و استادان باتجربه و متخصص برنامه‌ریزی درسی آموزش زبان عربی‌اند، می‌تواند گام مؤثری در انتقال تجارب حوزه برنامه‌ریزی درسی کشورهای عربی به کشور ما باشد.

در پژوهش حاضر تلاش شده به سه پرسش پاسخ داده شود: ۱. دیدگاه و روش غالب نویسندگان در برنامه‌دستی آموزش زبان عربی به غیرعرب‌زبانان چیست؟ ۲. نوآوری و ارزش علمی این اثر درمقایسه با آثار مشابه در زبان عربی و انگلیسی چیست و نقاط ضعف آن کدام است؟ ۳. تجارب قابل‌استفاده از این اثر برای برنامه‌های درسی آموزش زبان عربی در ایران کدام است؟

۲. روش پژوهش

باتوجه به این‌که این اثر یک کتاب پژوهشی و نه آموزشی است، از معیارهای کمی برای تحلیل محتوای آن استفاده نشد، بلکه تلاش شد تا از طریق بررسی پژوهش‌های مشابه در این زمینه و مقایسه آن‌ها و هم‌چنین با در نظر گرفتن ضرورت‌های پژوهشی حوزه برنامه‌ریزی درسی این کتاب نقد و بررسی شود. باتوجه به این‌که این کتاب با درخواست گروه عربی در شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی در پژوهشگاه علوم انسانی نقد شد، تقریباً از چارچوب ارائه شده توسط این شورا برای نقد کتاب استفاده شد. چارچوب پیشنهادی شامل این موارد است: ۱. تحلیل بیرونی اثر (معرفی کلی مؤلف و اثر و موضوعات اصلی و کانونی)؛ ۲. بررسی شکلی اثر (الف) صفحه‌آرایی، صحافی، و قواعد ویرایش و نگارش؛ ب) جامعیت صوری اثر (مقدمه و بیان هدف اثر، فهرست مطالب، نمودارها و جدول‌های توضیحی، فهرست مراجع و اعلام)؛ ۳. بررسی محتوایی اثر (رویکرد و دیدگاه کلی نویسندگان، روش در برنامه‌دستی پیش‌نهادی، میزان تناسب و جامعیت محتوا و موضوع اثر با سرفصل‌های برنامه‌دستی، نوآوری و ارزش علمی اثر، فواید و نارسایی‌های محتوایی اثر).

در بررسی محتوایی اثر تلاش شد بین این کتاب و کتاب‌های برنامه‌ریزی درسی در آموزش زبان انگلیسی مقایسه‌ای انجام گیرد تا کاستی‌ها و نقاط قوت کتاب بهتر تبیین شود.

۳. ادبیات نظری پژوهش

واژه curriculum به معنی «برنامه درسی» در زبان انگلیسی به کلمه لاتینی currere به معنی «میدان مسابقه» برمی‌گردد که در آن رقبا برای رسیدن به نقطه پیروزی تلاش می‌کنند. برنامه درسی هر مؤسسه آموزشی نیز مجموعه‌ای از طرح‌ها و سازمان‌دهی‌هاست که هدف آن انتقال دانش‌آموز از یک ایستگاه به ایستگاه دیگر از طریق مجموعه‌ای از راه‌نمایی‌ها، معلومات، و مهارت‌هاست (هوانه ۱۹۸۸: ۳۲).

در فرهنگ اصطلاحات تربیتی، سه تعریف برای برنامه درسی ذکر شده است:

مجموعه‌ای از سرفصل‌ها و مواد آموزشی که برای فارغ‌التحصیلی یا گرفتن یک مدرک علمی در یکی از رشته‌های تحصیلی به‌کار می‌رود، مثل برنامه درسی اجتماعی یا برنامه درسی ریاضیات؛

یک چارچوب کلی برای مواد آموزشی است که دانش‌آموز با هدف کسب مدرکی که او را برای شغل یا حرفه‌ای آماده می‌سازد در مدرسه یاد می‌گیرد؛
مجموعه‌ای از سرفصل‌ها و تجاربی که دانش‌آموز یا دانشجو در مدرسه و دانشگاه آن‌ها را کسب می‌کند (بسیونی عمیره ۱۹۹۱: ۲۹، به نقل از جود ۱۹۷۳)

احمد طعیمة، احمد مدکور، و احمد هریدی (۲۰۱۰) هم برنامه درسی را این‌چنین معرفی می‌کنند: «مجموعه‌ای از حقایق، تجارب، مهارت‌ها، فعالیت‌های شناختی، روان‌شناسی، اجتماعی، و زبانی است که یک مؤسسه برای تربیت و تحقق اهداف موردنظر ارائه می‌دهد» (۲۰۱۰: ۵۴). با توجه به تعاریف ارائه‌شده، می‌توان گفت مفهوم برنامه درسی مجموعه‌ای از ارشادات و خط‌مشی‌هایی است که یک مؤسسه یا مرکز برای فراگیران خود ارائه می‌دهد و دربرگیرنده اهداف، محتوا و سرفصل‌ها، روش و فعالیت‌های تدریس، و مواد آموزشی و شیوه‌های سنجش و ارزش‌یابی است.

برای طراحی برنامه درسی زبان خارجی، مدل‌های زیادی ارائه شده است که هر یک الگویی برای طراحی و اصلاح برنامه‌های درسی ارائه داده‌اند.^۱ مدل‌های ارائه‌شده در شیوه طراحی و اصلاح برنامه درسی اختلافات جزئی دارند و اصطلاحات متفاوتی را برای

بررسی و نقد مطالعات برنامه‌دستی آموزش زبان عربی به ... ۲۰۵

عناصر برنامه‌دستی پیش‌نهاد کرده‌اند. با وجود این، عناصر مألوف برنامه‌دستی براساس اغلب این مدل‌هاست: نیازسنجی و تحلیل موقعیت‌ها، اهداف، محتوا، روش و فعالیت‌های تدریس و مواد آموزشی، ارزش‌یابی از یادگیری فراگیران و ارزیابی برنامه‌دستی. هر برنامه‌دستی دارای مجموعه‌ای از اصول فلسفی، اجتماعی، زبانی، و تربیتی نیز هست که جهت‌دهی کلی آن را تعیین می‌کنند.

برای نقد و بررسی هر پژوهشی در حوزه برنامه‌ریزی درسی در نظر گرفتن شیوه‌ارائه عناصر برنامه‌دستی، اصول آن برنامه، و دیدگاه کلی حاکم بر آن برنامه ضروری است.

۴. نقد و بررسی اثر

۱.۴ معرفی مؤلف و اثر

کتاب المرجع فی مناهج تعليم اللغة العربية للناطقين بغيرها یکی از مهم‌ترین و جدیدترین کتاب‌هایی است که در موضوع «برنامه‌دستی آموزش زبان عربی به غیرعرب‌زبان‌ها» نوشته شده است. مشخصات کامل این کتاب به شرح زیر است:

| نویسندگان | نوبت چاپ | سال چاپ | انتشارات | کشور | تعداد صفحات کتاب |
|--|----------|---------|------------------|-------------|------------------|
| دکتر رشدی احمد طعیمه دکتر علی احمد مدکور دکتر ایمان احمد هریدی | چاپ اول | ۲۰۱۰ م | دار الفكر العربی | مصر - قاهره | ۶۷۴ |

دکتر رشدی احمد طعیمه استاد دانشکده علوم تربیتی دانشگاه امّ القری است. از جمله مهم‌ترین آثار وی:

المهارات اللغویة: مستوياتها، تدریسها، صعوباتها، القاهرة، دار الفكر العربی، ۱۴۲۷ق؛
الکتاب الأساسی لتعليم اللغة العربية للناطقين بلغات أخرى: إعداد، تحليله، تقويمه، با همکاری محمود کامل الناقه، انتشارات دانشگاه امّ القری (۱۴۲۷ق)؛ تعليم اللغة اتصاليا بين المناهج و الاستراتيجيات، با همکاری محمود کامل الناقه، انتشارات ایسیسکو (۲۰۰۶)؛ تعليم القراءة و الأدب، با همکاری محمد علاء‌الدین الشعیبی، قاهره: انتشارات دار الفكر العربی (۲۰۰۶)؛ تدریس العربية فی التعليم العام: نظریات و تجارب، انتشارات دار الفكر العربی (۲۰۰۰)؛ المعلم: کفایاته - إعداد - تدریبه، انتشارات دار الفكر العربی (۲۰۰۱)؛ الأسس العامة لمناهج تعليم اللغة العربية: إعدادها - تطویرها - تقویمها، انتشارات دار الفكر العربی.

دکتر علی احمد مدکور هم استاد بازنشسته دانشکده علوم تربیتی دانشگاه قاهره است. از جمله آثار ایشان:

تدریس فنون اللغة العربية، دار الفكر العربي (۲۰۰۲)؛ منهج التربية الإسلامية أصوله و تطبيقاته، مكتبة الفلاح (۱۴۰۷)؛ تعليم اللغة العربية لغير الناطقين بها؛ النظرية و التطبيق، با همکاری ایمان احمد هریدی (۲۰۰۶)؛ نظریات المناهج التربوية (۲۰۰۶)؛ التربية و ثقافة التكنولوجيا (۲۰۰۶)؛ تقویم برامج تعليم اللغة العربية لغير الناطقين بها فی الوطن العربي (۱۹۸۵)؛ الشجرة التعليمية، رؤية متكاملة للمنظومة التربوية (۱۹۹۹).

دکتر ایمان احمد هریدی استاد دانشکده علوم تربیتی دانشگاه قاهره است.

۲.۴ موضوعات کانونی اثر

این کتاب به سیزده فصل تقسیم شده است: فصل اول به تعریف زبان و برنامه درسی اختصاص داده شده است. در این فصل مباحث مفیدی در مورد نقش زبان و ویژگی‌های زبان عربی ذکر شده است. مباحث ضروری هم در مورد تفاوت اصطلاحات «تعلیم العربیة للأجانب و لغیر العرب»، «تعلیم العربیة لغير الناطقین بها»، «تعلیم العربیة للناطقین بغيرها»، و «تعلیم العربیة للناطقین بلغات أخرى» ارائه شده است. دو مدل به عنوان نمونه از مدل‌های طراحی برنامه درسی نیز در این فصل تبیین شده است و در پایان فصل هم مدل برنامه درسی مورد نظر کتاب، که بر پایه جهان‌بینی اسلامی است، شرح داده شده است.

در فصل دوم اصول برنامه درسی آموزش زبان عربی به غیر عرب‌زبان‌ها بررسی شده است. در این فصل سه اصل دانشی و زبانی، تربیتی، و اجتماعی زیرمجموعه اصول فرهنگی ارائه شده است. بعد از بررسی اصول برنامه درسی، در این کتاب به تشریح عناصر برنامه درسی یعنی اهداف، محتوا، فرایند یاددهی یادگیری، و ارزش‌یابی پرداخته شده است. در فصل سوم عنصر «اهداف تربیتی مهارت‌های زبانی» و در فصل چهارم عنصر «محتوای برنامه درسی آموزش زبان عربی به غیر عرب‌زبان‌ها» بررسی شده است. در فصل چهارم، علاوه بر شیوه‌های تنظیم محتوا و معیارهای انتخاب محتوا، برخی از انواع محتوای برنامه درسی، از جمله محتوای قواعد محور، محتوای موقعیت محور، و محتوای معنا محور تبیین شده است.

فصل پنجم به شیوه‌های تدریس و یادگیری زبان عربی اختصاص دارد که با عنوان «نظریات آموزش و یادگیری زبان عربی و روش‌های تدریس آن» ارائه شده است. در این

فصل به صورت خلاصه روش‌های دستور ترجمه، شنیداری — گفتاری، و روش مستقیم بررسی و ارتباط آن‌ها با نظریه‌های ساختارگرایی و رفتارگرایی تبیین شده است. همچنین، برخی نشانه‌های این روش‌ها و نظریه‌ها در زبان‌شناسی قدیم عربی هم مورد بحث قرار گرفته است. در فصل ششم رویکرد فرهنگی در برنامه‌درسی آموزش زبان عربی به غیرعرب‌زبان‌ها ارائه شده است که منظور از فرهنگ در این رویکرد فرهنگ اسلامی و فرهنگ عربی است که دربرگیرنده مفاهیم بندگی، دین، عبادت، توحید، شرک، رسالت، حفظ، و فهم برخی آیات قرآن، حقیقت هستی در جهان‌بینی اسلامی، و برخی دیگر از مفاهیم اسلامی و همچنین برخی مسائل فرهنگی عربی است.

فصل هفتم این کتاب هم به رویکرد ارتباطی در آموزش و یادگیری زبان عربی اختصاص دارد. علاوه بر ذکر تعاریف و مفاهیم مهم در این رویکرد، شیوه تدریس مهارت‌های چهارگانه و قواعد براساس این رویکرد و تشابهات این رویکرد با نظریات ابن‌خلدون به صورت خلاصه ذکر شده است. فصل هشتم هم به یکی از موضوعات مهم آموزش زبان خارجی یعنی آموزش زبان عربی برای اهداف ویژه اختصاص دارد. در این فصل، علاوه بر ویژگی‌ها، اهداف، و برخی مشکلات آموزش زبان عربی برای اهداف ویژه، به برخی تجارب مراکز آموزش زبان در کشورهای عربی در آموزش عربی برای اهداف ویژه اشاره شده است. در فصل نهم نویسندگان به بررسی «آموزش زبان عربی به کودکان غیرعرب‌زبان» پرداخته‌اند. در این فصل نقش، ویژگی‌ها، و توانایی‌هایی که معلم آموزش عربی به کودکان غیرعرب‌زبان باید داشته باشد تبیین شده است. در فصل دهم مبحث مهمی در آموزش نوین با نام «تکنولوژی دانش و اطلاعات و تحول در محیط یادگیری» ارائه داده شده است که در آن بر اهمیت و ضرورت توجه به «آینده‌پژوهشی» و تکنولوژی‌های جدید در آموزش زبان عربی تأکید شده است.

در فصل یازدهم هم به یکی دیگر از عناصر برنامه‌درسی، یعنی «ارزش‌یابی»، پرداخته شده است که در آن ارزش‌یابی از دو رویکرد «بررسی تطبیقی دو زبان» و «تحلیل خطاهای زبانی» مورد بحث قرار گرفته است. فصل دوازدهم هم به یکی از مهم‌ترین مباحث حوزه برنامه‌درسی آموزش زبان خارجی، یعنی «تربیت معلم»، اختصاص دارد که در آن معیارها و ویژگی‌های معلم زبان عربی تبیین شده است. فصل پایانی کتاب هم به چگونگی تألیف کتاب برای آموزش عربی به غیرعرب‌زبان‌ها اشاره دارد که در آن چگونگی پرداختن محتوای کتاب به واژگان، قواعد، مهارت‌ها، و مباحث فرهنگی و همچنین ویژگی‌های تمرینات و ملحقات کتاب، از جمله کتاب «راهنمای معلم»، بررسی شده است.

۳.۴ بررسی شکلی اثر

| فهرست اعلام | | | جدول و تصویر و نمودار و نقشه | | | | فهرست مطالب | | مقدمه | | بیان هدف اثر | |
|-------------|-------|--------|------------------------------|-------|--------|---------|-------------|---------|-------|--------------|--------------|--|
| نقشه | تصویر | نمودار | نقشه | تصویر | نمودار | فصلنامه | مقدمه | فصلنامه | مقدمه | بیان هدف اثر | بیان هدف اثر | |
| ** | | | | ** | ** | | ** | | ** | ** | ** | |

حروف‌نگاری اثر واضح و خواناست. صفحه‌آرایی و صحافی مناسب و مطلوب است. از نظر قواعد عمومی ویرایش و نگارش، در حد مطلوب و تقریباً خالی از اغلاط نگارشی و چاپی است.

از نظر جامعیت صوری، مقدمه کتاب دو صفحه است که نویسندگان در آن به صورت مختصر به مباحث کتاب اشاره کرده‌اند. هدف کتاب به صورت ضمنی اشاره شده است. فصل‌های کتاب فاقد مقدمه‌اند. فهرست مطالب کتاب به صورت اجمالی ذکر شده است. کتاب دارای نمودارها و جدول‌های توضیحی برای تبیین برخی مباحث است. کتاب فاقد فهرست اعلام و مکان‌ها و اصطلاحات است.

۴.۴ بررسی محتوایی اثر

۱.۴.۴ رویکرد یا دیدگاه نویسندگان در برنامه درسی

منظور از دیدگاه یا رویکرد در این جا چارچوب کلی است که نویسندگان برای ارائه برنامه درسی آموزش زبان عربی به غیرعرب‌زبان‌ها پیش‌نهاد می‌کنند یا این‌که از مباحث آنان قابل استنباط است. هرچند دیدگاه واقعی نویسندگان در کتاب‌های عملی، که برای آموزش زبان عربی نگاشته‌اند، ظهور پیدا می‌کند و در پژوهش‌های نظری مثل این کتاب، که نوعی ارائه و معرفی رویکردها و روش‌هاست، نمی‌توان به صورت قاطع در مورد رویکرد و روش مؤلفان نظر داد؛ اما، با توجه به این‌که این کتاب نوعی بومی‌سازی رویکردها و روش‌های غربی است، می‌توان دیدگاه غالب مؤلفان را استنباط کرد. به نظر می‌رسد دیدگاه غالب نویسندگان برای ارائه برنامه درسی آموزش زبان عربی به غیرعرب‌زبان‌ها دیدگاهی فرهنگی است. علاوه بر اشاره مستقیم نویسندگان به رویکرد فرهنگی در آموزش زبان عربی در فصل

ششم، این دیدگاه در سایر مباحث کتاب درمورد عناصر برنامه‌درسی استنباط‌شدنی است. دیدگاه فرهنگی موردنظر دیدگاهی مبتنی بر فرهنگ اسلامی - عربی است که در اصول برنامه‌درسی اهداف و سایر عناصر برنامه‌درسی متبلور می‌شود.

درمورد اصول برنامه‌درسی در این کتاب دیدگاه فرهنگی اسلامی کاملاً واضح است. اصول شناختی برنامه‌درسی آموزش زبان عربی در جهان‌بینی عربی اسلامی نسبت به هستی، انسان، زندگی، و ایمان به خدا متبلور می‌شود (طعیمه، مدکور، و هریدی ۲۰۱۰: ۸۷-۹۰). اصول روان‌شناسی برنامه‌درسی هم از منظر طبیعت انسانی در اسلام، آزادی فطری او، و ایمان فطری به خداوند سرچشمه می‌گیرد (همان: ۱۰۱-۱۱۰). اصول اجتماعی هم متأثر از مفاهیم دین و زندگی در جهان‌بینی اسلامی است. در بررسی اصول اجتماعی، طبیعت مجتمع اسلامی و تفاوت آن با مجتمعات دیگر باید لحاظ شود (همان: ۱۳۳-۱۴۰).

درمورد اهداف در برنامه‌درسی، نویسندگان برآن‌اند که دیدگاه متغیربودن اهداف، که برخی نظریه‌پردازان غربی، مثل جان دیویی، مطرح کرده‌اند، دیدگاه صحیحی نیست؛ زیرا در نظر گرفتن اهداف تربیتی متغیر برای برنامه‌درسی با فطرت انسانی و خصوصیات آن سازگار نیست و همین امر از عواملی است که به بی‌ثباتی زندگی انسان معاصر و سلب آرامش از وی منجر شده است (همان: ۱۷۰).

این دیدگاه فرهنگی نویسندگان در بحث تربیت معلم عربی هم استنباط‌شدنی است. معلمی که قصد دارد زبان عربی را به غیرعرب‌زبان‌ها آموزش دهد باید، علاوه بر معیارهای مثل تسلط زبانی، علمی، مهارتی، و پژوهشی، دارای ویژگی‌ها و خصایص اخلاقی اسلامی و انسانی باشد. معیارهایی مثل الگوی اسلامی و انسانی بودن، درک کردن حقیقت جهان هستی و جایگاه انسان در آن، و اعتقاد به زندگی دنیوی و اخروی.

در بحث نظریات و روش‌های آموزش و یادگیری زبان عربی هم، علاوه بر رویکردها و روش‌هایی مثل رویکرد ارتباطی و روش دستور ترجمه، روش مستقیم، روش شنیداری و گفتاری، و روش خوان‌داری، رویکرد دیگری به نام رویکرد فرهنگی مطرح شده است و نویسندگان این بحث را مطرح کرده‌اند که بسیاری از متخصصان آموزش زبان عربی برآن‌اند که زبان عربی می‌تواند از خلال فرهنگ اسلامی به غیرعرب‌زبان‌ها آموزش داده شود (همان: ۲۴۸-۲۹۰). البته، این رویکرد نه به‌عنوان جای‌گزینی برای رویکردها و روش‌هایی مثل رویکرد ارتباطی و روش‌های شنیداری - گفتاری و مستقیم، بلکه جای‌گزینی برای رویکردهایی مثل رویکرد امنیتی، اقتصادی و سیاسی مطرح می‌شود (همان: ۳۴۹).

۲.۴.۴ روش تدریس

منظور از روش تدریس روشی است که مؤلفان از میان روش‌های مألوف مثل روش دستور ترجمه، روش مستقیم، روش شنیداری - گفتاری، و روش‌های مبتنی بر رویکرد ارتباطی در برنامه درسی پیش‌نهاد داده‌اند.

نویسندگان در این کتاب به ارائه روش‌ها اکتفا کرده‌اند و روش مشخصی را به صورت صریح بر روش‌های دیگر ترجیح و پیش‌نهاد نداده‌اند؛ با وجود این، از دیدگاه‌های پراکنده نویسندگان در بخش‌های مختلف کتاب می‌توان این نکته را استنباط کرد که نویسندگان یک روش مشخص را مدنظر ندارند، بلکه معتقد به استفاده از ویژگی‌های مثبت همه روش‌های تدریس‌اند. مثلاً، در مورد ترتیب ارائه مهارت‌ها، بر همان ترتیبی که در روش شنیداری - گفتاری وجود دارد تأکید می‌کنند و بر آن‌اند که ترتیب طبیعی فراگیری مهارت‌های زبانی شنیدن، سخن گفتن، خواندن، و نوشتن است (همان: ۹۶). هم‌چنین، بر آن‌اند که تقلید و حفظ گفت‌وگوها و تمرین ترکیب‌های زبانی بر اساس نظریه محرک پاسخ رفتارگرایی مناسب است؛ ولی، با استناد به برخی اصول رویکرد ارتباطی، یادآور می‌شوند که یادگیری زبان فقط از طریق تقلید امکان‌پذیر نیست، بلکه کودک در ذهن خود به فرضیه‌سازی در مورد زبانی که آن را می‌شنود می‌پردازد و از این رو یادگیری فقط بر اساس تکرار کورکورانه نیست، بلکه کودک بر اساس فرضیاتی که در ذهنش می‌سازد زبان را اصلاح می‌کند و آن را گسترش می‌دهد. به همین دلیل، معلمان باید به اصلاح فوری خطاهای زبانی نپردازند، بلکه بهتر است زبان‌آموزان را به سخن گفتن تشویق و برای آنان فرصت‌های استفاده از زبان را فراهم کنند. این امر بهتر از تکرار کورکورانه و بدون تفکر نمونه‌های آماده زبان است. معلمان بهتر است به زبان‌آموزان اجازه دهند تا جملاتشان را حتی اگر غلط باشد، کامل کنند. سپس، به طبقه‌بندی خطاهای زبان‌آموزان بپردازند و اگر ضرورت داشت، اسلوب‌های صحیح را به آنان ارائه دهند (همان: ۵۷۵).

علاوه بر این، نویسندگان در فصل هفتم کتاب، که به بررسی رویکرد ارتباطی در آموزش و یادگیری زبان عربی پرداخته‌اند، بر ضرورت توجه به موقعیت‌های ارتباطی در آموزش زبان عربی تأکید کرده‌اند.

۳.۴.۴ میزان تناسب و جامعیت محتوا و موضوع اثر با سرفصل‌های برنامه درسی

در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری رشته آموزش زبان انگلیسی درسی دوواحدی با نام «برنامه درسی» وجود دارد که در آن رویکردهای برنامه درسی، نیازسنجی، و شیوه تهیه و

تدوین مطالب درسی بررسی می‌شود. اگر این درس در مقطع کارشناسی ارشد رشته آموزش زبان عربی نیز ایجاد شود، از این کتاب می‌توان به‌عنوان منبع فرعی برای این درس استفاده کرد. کتاب حاضر، به‌دلیل فقدان برخی مباحث مهم برنامه‌درسی، مثل «نیازسنجی»، «تاریخچه نظریات برنامه‌درسی»، و «نمونه‌های تطبیقی از عناصر برنامه‌درسی»، جامعیت لازم را به‌عنوان منبع اصلی درس برنامه‌درسی ندارد.

از این کتاب هم‌چنین می‌توان به‌عنوان منبع فرعی درس «آشنایی با نظریه‌ها و روش‌های آموزش زبان» استفاده کرد. در درس «آموزش زبان عربی برای فهم متون دینی» هم می‌توان از این کتاب به‌عنوان منبع فرعی برای آشنایی دانشجویان با شیوه‌های برنامه‌ریزی آموزش زبان عربی با اهداف فرهنگی و دینی استفاده کرد.

۴.۴.۴ نوآوری و ارزش علمی اثر

کتاب‌های زیادی در حوزه برنامه‌درسی در زبان انگلیسی وجود دارد؛ از جمله این کتاب‌ها: *Syllabus design* از نونان (Nunan 1993)؛ *Elements of Language Curricula* از براون (Brown 1995)؛ *Designing language courses: a guide for teachers* از کاتلین گراوز (Kathleen Graves 2000)؛ *Language Curriculum Design* از نیشن و ماکلیستر (Nation and Maclister 2010)؛ و *Curriculum Development In language Teaching* از ریچاردز (Richards 2000) که این کتاب توسط ناصر غالی و صالح شویرخ با نام *تطویر مناهج تعلیم اللغة* (ریتشاردز ۲۰۰۱) به عربی نیز ترجمه شده است.

در زبان عربی کتاب‌هایی که در آن‌ها به‌صورت مستقیم به برنامه‌درسی پرداخته شده باشد بسیار اندک است. در بیش‌تر کتاب‌های این حوزه به‌صورت مجزا به عناصر برنامه‌درسی مثل اصول برنامه‌درسی، روش‌های تدریس، ارزش‌یابی، و تربیت معلمان پرداخته شده است. کتاب *تعلیم اللغة اتصالیا بین المناهج والاستراتیجیات* از رشدی أحمد طعمیة و محمود کامل الناقه (۲۰۰۶) از جمله معدود کتاب‌هایی است که در آن به بررسی یک برنامه‌درسی آموزش زبان عربی با در نظر گرفتن همه عناصر آن (اصول، روش تدریس، محتوا، و ارزش‌یابی) از منظر رویکرد ارتباطی پرداخته شده است.

از این رو، نوآوری این پژوهش نسبت به پژوهش‌های انجام‌گرفته در زبان عربی این است که نگارش کتابی جامع به زبان عربی که به ارائه اصول و عناصر برنامه‌درسی آموزش زبان عربی و نظریه‌ها، رویکردها، و روش‌های این حوزه بپردازد ضروری بوده است.

در مقایسه با کتاب‌های زبان انگلیسی، واقعیت این است که این کتاب‌ها به صورت کامل و روش‌مند تاریخچه برنامه درسی آموزش زبان خارجی و مدل‌ها، نظریه‌ها، و روش‌های این حوزه را ارائه داده‌اند و برای طراحی برنامه درسی در آموزش هر زبانی مراجعه به این کتب ضروری است. در مقابل، کتاب *المرجع فی مناهج تعلیم اللغة العربیة للناطقین بلغات أخری* به هیچ وجه نوعی تعریب نظریات غربی نیست، بلکه در سراسر کتاب نویسندگان تلاش کرده‌اند که این نظریات را بر اساس سیاق آموزشی زبان عربی بومی سازی کنند و در بسیاری از مواقع آن‌ها را با آرای زبان‌شناسان قدیم عربی، هم‌چون عبدالقاهر و ابن خلدون، مطابقت داده‌اند. هم‌چنین، پژوهش‌گران توانسته‌اند به خوبی این نظریات را بر اساس جهان‌بینی اسلامی در مورد آموزش و پرورش تطبیق دهند. با وجود این، این امر باعث نشده است که توجه به مباحث اسلامی و جهان‌بینی اسلامی و حتی محتوای فرهنگی عربی - اسلامی در برنامه درسی سبب شود تا هم‌چون بسیاری از برنامه‌های درسی دینی پژوهش‌گران از کاربردهای مفید این نظریات و روش‌ها غافل شوند، بلکه تلاش کرده‌اند تا ارائه این نظریات در یک چارچوب اسلامی مانع از بین رفتن رویکردها، روش‌ها، و استراتژی‌های علمی در آموزش زبان نشود.

۵.۴.۴ فواید کتاب

برای پژوهش‌گران: این کتاب پژوهش ارزش‌مندی برای پژوهش‌گرانی است که در حوزه برنامه درسی آموزش زبان عربی کار می‌کنند.

برای برنامه‌ریزان: این کتاب منبع مناسبی برای برنامه‌ریزان آموزش زبان عربی در مدارس است. با توجه به این که هدف آموزش زبان عربی در مدارس فهم متون دینی و در واقع یک هدف فرهنگی و زبانی است، دیدگاهی که این کتاب نسبت به آموزش زبان عربی از خلال مباحث فرهنگی دارد و در عین حال نوآوری که این کتاب در مورد جمع بین ارائه رویکردها، روش‌ها، و استراتژی‌های آموزش زبان در یک چارچوب اسلامی - عربی دارد می‌تواند الگویی برای آموزش زبان عربی در مدارس با اهداف زبانی فرهنگی باشد. این کتاب اهداف کلی و فرعی خوبی هم در بخش زبانی مهارت‌ها و قواعد و هم در بخش تقویت دیدگاه‌های فرهنگی زبان‌آموزان مطرح کرده است.

برای مدرسان: روش‌ها و معیارهای تنظیم محتوا، روش‌های تدریس، و شیوه‌های افزایش انگیزه در زبان‌آموزان از جمله مهم‌ترین مباحثی است که در این کتاب می‌تواند برای مدرسان مورد استفاده قرار گیرد.

۶.۴.۴ نارسایی‌های محتوایی کتاب

یکی از مهم‌ترین ضعف‌های کتاب نپرداختن به عنصر مهم و اساسی «نیازسنجی» (needs analysis) در برنامه‌درسی است. تقریباً همه کتاب‌های حوزه برنامه‌درسی «نیازسنجی» را به‌عنوان عنصری مهم و تعیین‌کننده برای سایر عناصر دیگر برنامه‌درسی موردبررسی قرار داده‌اند. قطعاً نگارندگان به اهمیت نیازسنجی واقف بوده‌اند؛ ولی، به‌هرحال، نپرداختن به این عنصر مهم و تبیین شیوه‌ها و ذکر نمونه‌های نیازسنجی در برنامه‌درسی آموزش زبان عربی ضعف بزرگی برای این کتاب، که کتابی جامع در حوزه برنامه‌ریزی درسی آموزش زبان عربی است، به‌شمار می‌رود.

نقص دیگر این کتاب عدم ذکر نمونه‌هایی تطبیقی به‌صورت پیوست برای مباحث نظری هر فصل است. هرچند نمونه‌هایی از اهداف اصلی و فرعی آموزش زبان عربی در سه سطح مبتدی، متوسط، و پیش‌رفته ذکر شده است، بقیه فصول و مباحث کتاب فاقد نمونه‌های تطبیقی است؛ این درحالی است که اغلب کتاب‌های حوزه برنامه‌ریزی درسی زبان انگلیسی پیوست‌هایی از نمونه‌های تطبیقی درمورد عناصر برنامه‌درسی مثل نیازسنجی، طراحی اهداف، محتوا، ارزش‌یابی، و شیوه‌های ارزیابی معلمان به‌همراه دارند. این نمونه‌ها مخصوصاً برای پژوهش‌گرانی که قصد پژوهش در برنامه‌درسی دارند بسیار مفیدند.

نارسایی دیگر این کتاب این است که در برخی مباحث، نویسندگان به ذکر برخی راهنمایی‌ها و اصول کلی اکتفا کرده‌اند. در فصل دوازدهم، که به تربیت و آماده‌سازی معلمان آموزش زبان عربی اختصاص دارد، تمامی مباحث در ارائه معیارهای کلی درمورد ویژگی‌های اخلاقی، انسانی، و مهارتی معلمان خلاصه شده است و هیچ مبحثی درمورد چگونگی آماده‌سازی معلمان و ارزیابی و ارتقای عملکرد آنان ارائه نشده است.

۵. نتیجه‌گیری

کتاب *المرجع فی مناهج تعلیم اللغة العربیة لغیر الناطقین بها* یکی از مهم‌ترین و جدیدترین کتاب‌هایی است که توسط نویسندگان مشهور جهان عرب در حوزه برنامه‌ریزی درسی آموزش زبان عربی به غیرعرب‌زبان‌ها به رشته تحریر درآمده است. پس از بررسی این کتاب، نتایج پژوهش برای پاسخ به سه سؤال پژوهش عبارت‌اند از:

سؤال اول پژوهش: دیدگاه و روش غالب نویسندگان در برنامه‌درسی آموزش زبان عربی به غیرعرب‌زبانان چیست؟ بررسی محتوایی این کتاب نشان داد که دیدگاه کلی حاکم بر

این پژوهش دیدگاهی فرهنگی بوده است و نویسندگان تلاش کرده‌اند که نظریات، رویکردها، و روش‌های برنامه‌ریزی درسی آموزش زبان خارجی را در یک چارچوب فرهنگی — اسلامی — عربی ارائه دهند. روش تدریسی که نویسندگان در برنامه درسی پیش‌نهاد می‌کنند به‌صورت مستقیم ارائه نشده است؛ اما از مباحث پراکنده‌ای که در مورد نقش زبان و شیوه تدریس آن در کتاب ارائه داده‌اند می‌توان استنباط کرد که روش پیش‌نهادی هم از اصول رویکرد ارتباطی هم از برخی اصول روش شنیداری — گفتاری استفاده می‌کند.

سؤال دوم پژوهش: نوآوری و ارزش علمی این اثر درمقایسه با آثار مشابه در زبان عربی و انگلیسی چیست و نقاط ضعف آن کدام است؟ ارزش علمی این کتاب درمقایسه با آثار مشابه در زبان عربی این است که کتاب جامعی در مورد برنامه درسی آموزش زبان عربی به غیر عرب‌زبان‌ها وجود نداشته است و این کتاب جدیدترین و کامل‌ترین پژوهشی است که به تبیین اصول برنامه درسی آموزش زبان عربی به غیر عرب‌زبان‌ها و عناصر آن پرداخته است. درمقایسه با پژوهش‌های انجام‌گرفته در زبان انگلیسی، ارزش این کتاب نه در تبیین اصول و عناصر برنامه درسی، بلکه در ارائه آنان در یک چارچوب فرهنگی — اسلامی و براساس سیاق آموزش زبان عربی است. از جمله نارسایی‌های این کتاب درمقایسه با آثار مشابه در زبان انگلیسی و غالب پژوهش‌های انجام‌گرفته در حوزه برنامه‌ریزی درسی، نپرداختن به عنصر «نیازسنجی» به‌عنوان اولین عنصر برنامه‌ریزی درسی است که تقریباً اغلب پژوهش‌های انجام‌گرفته در حوزه برنامه‌ریزی درسی این عنصر را به‌عنوان زیرساخت عناصر دیگر به‌صورت مفصل تبیین کرده‌اند. از دیگر نارسایی‌های این پژوهش این است که در برخی مباحث از جمله مبحث «تربیت و آماده‌سازی معلم زبان عربی» نویسندگان به ذکر برخی معیارهای کلی اخلاقی و مهارتی اکتفا کرده‌اند و مباحث موردنیاز و ضروری مثل چگونگی آماده‌سازی معلمان و ارزیابی و ارتقای عملکرد آنان بررسی نشده است. از جمله نقص‌های دیگر کتاب ارائه‌ندادن نمونه‌های عملی از مباحث مطرح‌شده از جمله نمونه‌هایی از پرسش‌نامه‌ها و مصاحبه‌های نیازسنجی، نمونه‌هایی از محتوا براساس رویکردها و روش‌های ذکرشده و نمونه‌هایی از شیوه‌های ارزش‌یابی و ارزیابی عملکرد معلمان است.

پرسش سوم پژوهش: تجارب قابل‌استفاده از این اثر برای برنامه‌های درسی آموزش زبان عربی در ایران کدام است؟ باتوجه به این که هدف از آموزش زبان عربی در مدارس فهم متون دینی و درواقع یک هدف فرهنگی و زبانی است، چارچوب فرهنگی‌ای که این کتاب برای آموزش زبان عربی پیش‌نهاد می‌دهد می‌تواند به‌وسیله نیازسنجی و براساس سیاق آموزشی زبان عربی در مدارس ایران مورد استفاده برنامه‌ریزان و مدرسان قرار گیرد. این

چارچوب هم‌چنین می‌تواند در حوزه‌های علمیه، که آموزش زبان عربی با اهداف دینی انجام می‌گیرد، با تغییرات محتوایی مورد استفاده قرار گیرد. الگوی مطرح شده در این کتاب در صورتی که براساس نیازهای دانشجویان در رشته زبان و ادبیات عربی یا زبان‌آموزان عربی در مراکز غیردانشگاهی اصلاح شود، می‌تواند در برنامه‌دستی دانشگاه‌ها و این مراکز هم مورد استفاده قرار گیرد. از این کتاب هم‌چنین می‌توان به‌عنوان منبع فرعی درس «آشنایی با نظریه‌ها و روش‌های آموزش زبان» استفاده کرد. در درس «آموزش زبان عربی برای فهم متون دینی» هم می‌توان از این کتاب به‌عنوان منبع فرعی برای آشنایی دانشجویان با شیوه‌های برنامه‌ریزی آموزش زبان عربی با اهداف فرهنگی و دینی استفاده کرد.

۶. پیش‌نهادهای

ارائه‌دستی دوواحدی با عنوان «برنامه‌ریزی درسی» در مقطع کارشناسی ارشد رشته آموزش زبان عربی ضروری به‌نظر می‌رسد. این درس در دو مقطع کارشناسی ارشد و دکتری رشته آموزش زبان انگلیسی ارائه می‌شود.

سرفصل‌های پیش‌نهادی برای این درس:

۱. تاریخچه برنامه‌ریزی درسی آموزش زبان خارجی و آموزش زبان عربی؛ ۲. اصول و مفاهیم برنامه‌ریزی درسی؛ ۳. نیازسنجی و طراحی اهداف در برنامه‌دستی؛ ۴. تهیه و تدوین محتوای درسی؛ ۵. شیوه‌های ارزش‌یابی یادگیری زبان‌آموزان؛ ۶. ارزیابی برنامه‌دستی؛ ۷. رویکردهای برنامه‌دستی (به‌ویژه برنامه‌دستی براساس رویکرد ارتباطی و رویکرد فعالیت‌محور)؛ ۸. تربیت معلم زبان عربی.

منابع پیش‌نهادی برای این درس:

بهترین منبعی که تقریباً همه سرفصل‌های ذکر شده را ارائه داده است کتاب *تطوير مناهج تعليم اللغة* از جاک ریتشاردز (۲۰۰۱) با ترجمه ناصر بن عبدالله بن غالی و صالح بن ناصر الشویخ است که به‌صورت نسخه الکترونیکی در ایران قابل دسترس است.

منابع دیگر برای این درس:

طیمة، رشدی أحمد، علی أحمد مدکور، و ایمان أحمد هریدی (۲۰۱۰)، *المرجع فی مناهج تعليم اللغة العربية للناطقين بلغات أخرى*، قاهرة: دار الفكر العربی.
کامل الناقه، محمود و رشدی أحمد طیمة (۲۰۰۶)، *تعليم اللغة اتصاليا بين المناهج والاستراتيجيات*، منشورات المنظمة الإسلامية للإعداد و العلوم و الثقافة — إيسيسكو.

طعیمة، رشدى أحمد (۱۹۸۲)، *الأسس المعجمية و الثقافية لتعليم اللغة العربية لغير الناطقين بها* مكة.

مهر محمدی، محمود و دیگران (۱۳۹۰)، *برنامه‌ی درسی نظرگاه‌ها، رویکردها، و چشم‌اندازها*، ویراست دوم، تهران: سمت.

Tomlinson, B. (ed.) (2003), 'Materials development' in *Language teaching*, Cambridge: Cambridge University Press.

Nunan, D. (1993), *Syllabus design*, Oxford: Oxford University Press.

Nation, I.S.P. and Macalister, J. (2010), *Language Curriculum Design*, New York: Routledge.

Willis, D. and Willis, J. (2007), *Doing Task-based Teaching*, Oxford: Oxford University Press.

پی‌نوشت

۱. برای نمونه، بنگرید به مدل مردوچ (Murdoch) (۱۹۸۹)، مدل تسمیر و ودمن (Tessmer and Wedman) (۱۹۹۰)، مدل براون (Brown 1995: 20)، مدل کاتلین گراوز (Graves 2000: 3)، و مدل نیشن و ماکلیستر (Nation and Macalister 2010: 138, 145) (۲۰۱۰).

کتاب‌نامه

بسیونی عمیره، ابراهیم (۱۹۹۱)، *المنهج و عناصره، القاهرة: دار المعارف*.
ریتشاردز، جاک (۲۰۰۱)، *تطوير مناهج تعليم اللغة، ترجمة: ناصر بن عبدالله بن غالى و صالح بن ناصر الشويرخ، نسخة الكترونية*.
طعیمة، رشدى أحمد، على أحمد مذکور، و ایمان أحمد هریدی (۲۰۱۰)، *المرجع فى مناهج تعليم اللغة العربية للناطقين بلغات أخرى، القاهرة: دار الفكر العربی*.
کامل الناقه، محمود و رشدى أحمد طعیمة (۲۰۰۶)، *تعليم اللغة اتصاليا بين المناهج و الاستراتيجيات، منشورات المنظمة الإسلامية للإعداد و العلوم و الثقافة - إيسيسكو*.

Brown, D. (2001), *Teaching by Principles: An Interactive Approach to Language Pedagogy*, San Francisco: Longman Inc.

Graves, K. (2000), *Designing language courses: A guide for teachers*, Heinle and Heinle.

McDonough, J. and Shaw, C. (2003), 'Materials and Methods' in *ELT a Teachers' Guide 3*.

Nation, I.S.P. and Macalister, J. (2010), *Language Curriculum Design*, New York: Routledge.

Nunan, D. (1993), *Syllabus design*, Oxford: Oxford University Press.